



بی‌توجهی مدیریت شهری
به ساختمان نیمه‌کاره کوچه شهید خوراکیان ۳
امنیت و سلامت مردم را به خطر انداخته‌است

تعفن یک زخم کهنه



فرزانه شهامت‌آورد کوچه شهید خوراکیان ۳ که می‌شویم، بوی فضولات انسانی ما را پس می‌زند. چند قدم پیش رفتن در این کوچه خاکی، صحنه‌ای مشمئزکننده از منشأ بوی ناخوشایند می‌دهد که حاصل تبدیل معبر به سرویس بهداشتی صحرایی برای کارتن خواب‌هاست. یکی از آن‌ها، همین حالا که ساعت حوالی ۱۲ ظهر است، روی زیرانداز و متکایی چرک‌مرد، در خوابی عمیق به سر می‌برد. اهالی و کسبه‌ای که از بدروزگار با چنین معبر فراموش شده‌ای هم جوار شده‌اند. انگشت اتهام این وضعیت را متوجه ساختمان هفت طبقه‌ای می‌دانند که با ظاهر سیمانی و زمخت، از بیست سال پیش، به حال خود رها شده و کوچه را پناهگاهی برای غریبه‌های بزه‌کار و بی‌خانمان کرده است. طنز تلخ قضیه اینجاست که معبر، همسایه دیوار به دیوار است با پاساژ گنجینه کتاب که یکی از پاتوق‌های فرهنگی شهر به شمار می‌رود. فاصله‌اش تا ورودی آرامگاه نادری با انبوه‌گردشگران داخلی و خارجی، به پنجاه قدم هم نمی‌رسد و تا حرم مطهر آقا امام رضا (ع) فقط ۶۰۰ متر راه دارد.

● کسی نیست تذکر بدهد؟

۴۴ سال پیش که در این معبر، خانه خرید، اوضاع این محدوده شبیه حالا نبود. کوچه‌های اطراف حرم، در قرق همسایه‌های باصفای آقا بود و زور هتل سازی‌ها، هنوز به بیرون راندن اهالی نرسیده بود. علیرضا مشکین که خانه سه طبقه‌اش، در حال حاضر تنها کاربری مسکونی در کوچه شهید خوراکیان ۳ به شمار می‌رود، به خوبی به یاد می‌آورد زمانی را که ساختمان نیمه‌کاره ابتدای کوچه، مشغول علم کردن

او از همسایگی با معبر شهید خوراکیان ۳، گله مند و به ادامه تحمل این وضعیت، ناچار است. موضوع گزارش را که متوجه می‌شود، مغازه‌اش را رها می‌کند و همراهان می‌آید تا آنچه را می‌گوید، خود نشانمان بدهد؛ مثل تبدیل شدن کوچه به پاتوق کارتن خواب‌ها. می‌گوید: ساختمان چند طبقه‌ای که ابتدای کوچه می‌بینید، از سه دهه قبل به همین وضعیت رها شده است و باعث شده این کوچه بشود آشغال دانی.

او اضافه می‌کند: چند سال پیش، از داخل ساختمان، جنازه پیدا کردند. مال یکی از معتادهایی بود که اینجا شده بود خوابگاهش و اوردوز کرده و مرده بود. ولی حتی وقوع چنین اتفاقی هم نتوانست باعث شود ساختمان از این رکود و خواب طولانی بیرون بیاید.

● جای میان خاک و بوی تعفن

تماشای لمیدن و خوابیدن معتادان کارتن خواب، دیدن فضولات انسانی در گوشه و کنار کوچه و استشمام بوی مشمئزکننده‌ای که از پنجره‌های ساختمان، خود را به داخل خانه می‌رساند، برای بهاره طباطبایی، تکراری نشده و با آن کنار نیامده است. او یکی دیگر از ساکنان این معبر است که می‌گوید: از دو سال پیش که اینجا مستأجریم، بارها پیگیر مشکلات کوچه شده‌ام ولی هیچ نتیجه‌ای نگرفته‌ام.

او با اشاره به خاکی بودن کوچه، ادامه می‌دهد: گویا قدیم، این کوچه آسفالت بوده و به خاطر تردد ماشین‌های سنگینی که مصالح ساختمانی می‌آوردند، به این روز درآمده است. هر چه هست، عقوبتش یقه ما را گرفته است. زندگی مان زیر خاک است و حشرات مودی مثل هزارپا را از گوشه و کنار خانه، توی رختخواب و لباس بچه‌هایم پیدا می‌کنم.

شهروند محله راه‌آهن اضافه می‌کند: کوچه‌های زیادی در منطقه ۳ قبلاً آسفالت شده بودند و الان دوباره دارند روکش آسفالت می‌شوند. چرا برای اینجا کاری انجام نمی‌شود؟ بار آخری که با شهردار منطقه صحبت کردم، این طور شنیدم که مالکان ساختمان‌های نیمه‌کاره تخلف کرده‌اند. اول باید به این تخلفات رسیدگی شود تا بعد، شاید کوچه آسفالت شود. یک بار هم پیامک آمد که به محض تأمین اعتبار، اقدام می‌شود.

طباطبایی مقصر وضعیت را ساختمان‌های نیمه‌کاره این معبر می‌داند و می‌گوید: در روزهایی که مشهد، شرایط ناآرامی داشت، این ساختمان، در مظان اتهام بود و از آن بازدید شد. با همه این‌ها، هیچ کاری برای رسیدگی اساسی نشده است. شنیده‌ایم مالکش پارتی کلفتی دارد. راست می‌گویند؟

آهن‌هایش بود. بلندای اسکلت فلزی ساختمان، از نیت مالکانش برای بلند مرتبه سازی حکایت داشت؛ با این حال، سؤالی که از همان ابتدا در ذهن او نقش بسته بود و با گذشت دود دهه، همچنان به قوت خود باقی مانده، این است که مگر بناهای مشرف به مکان‌های تاریخی، محدودیتی در ارتفاع ندارند؟

او می‌گوید: چند سال پیش، به واسطه یکی از آشنایان، به دیدار مدیرکل وقت میراث فرهنگی استان رفتم و موضوع را مطرح کردم. عصبانی بود از این ساختمان که درست در کوچه کنار آرامگاه نادر، خود سرانه قد علم کرده بود. تأکید داشت سه طبقه از سازه کنونی باید قلع شود. سال‌ها از آن دیدار می‌گذرد و می‌بینید که آب از آب تکان نخورده است.

او ادامه می‌دهد: به میمنت همسایگی ما با این ساختمان، تا حالا چند بار از خانه مادری شده‌ام! روی پشت بام، حفاظ گذاشتیم ولی فایده‌ای ندارد و دزدها راهش را پیدای می‌کنند. آخرین بار، شش ماه پیش بود که موتورهای دو کولر را باز کردند و بردند. پلیس هم آمد صورت جلسه گرفت.

پرسش دیگری که شهروند قدیمی محله راه‌آهن مطرح می‌کند از این قرار است: مگر این ساختمان و دو ساختمان نیمه‌کاره دیگری که هفت هشت سال است در انتهای کوچه، به حال خود رها شده‌اند، مهندس ناظر ندارند؟ یعنی کسی نیست به این‌هایی که سال‌هاست پروژه را نیمه تمام رها کرده‌اند و رفته‌اند دنبال کارشان، تذکر بدهد؟!

پیرمرد سر بسته می‌گوید: خانم، وقتی یک جایی بی‌صاحب افتاده باشد، آنجا همه کار می‌کنند. مکث می‌کند و بالحنی معنادار، تکرار می‌کند: همه کار!

● خوابگاه کارتن خواب‌ها

بیش از نیمی از روزهایش را در این معبر سپری می‌کند و به تعداد ماه‌ها و سال‌هایی که در این کوچه، کسب و کار داشته، مشکلاتش را در ذهن مرور می‌کند. محمد یکی از کتاب فروش‌های قدیمی مشهد است که از او اواسط دهه ۸۰ کار و کاسبی‌اش را به پاساژ گنجینه کتاب آورد.



شهرآرام‌محله در شماره بعدی خود، موضوع را از اداره نظارت بر ساخت و سازهای شهرداری منطقه ۳ و اداره کل میراث فرهنگی خراسان رضوی پیگیری خواهد کرد. همچنین با پیگیری از رئیس اداره خدمات شهری، شست‌وشوی این معبر در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام خواهد شد.